

## حمایت اجرایی فرامرزی از گزارش‌های اصلاحی محاکم ملی مطالعه تطبیقی در کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹، کنوانسیون‌های لاهه ۲۰۰۵، ۲۰۱۹ و حقوق ایران

رضا معبودی نیشابوری\*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

سید علیرضا رضائی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق علوم و سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران

### چکیده

میانجی‌گری به‌عنوان یکی از طرق شناخته‌شده حل‌وفصل اختلاف‌ها، با توجه به تصویب کنوانسیون سنگاپور در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری ۲۰۱۹ توسط سازمان ملل متحد و اعطای حمایت اجرایی به سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری اعتبار ویژه‌ای یافته است. یکی از انواع سازش‌نامه‌ها، گزارش‌های اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه هستند که به‌دلیل نقش اصلی اراده طرفین (نه قاضی) در تنظیم آنها، نوعی سازش‌نامه محسوب می‌شوند. مسئله مهم در خصوص گزارش‌های اصلاحی تنظیمی توسط محاکم، امکان اجرای آنها در کشورهای دیگر است که به‌دلیل دخالت دو روش حل اختلاف دادرسی و سازش، مقرر قانونی حاکم در این خصوص محل تردید است. به‌منظور بررسی موضوع مذکور، مطالبی بدین‌ترتیب بررسی و تحلیل شده است: «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم وفق کنوانسیون سنگاپور»، «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم وفق کنوانسیون‌های لاهه» و «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم خارجی وفق حقوق ایران». در مجموع این مقاله به این نتیجه نائل آمده است که اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی توسط دادگاه‌های خارجی با دشواری‌های زیادی روبه‌روست، زیرا کنوانسیون سنگاپور این نوع سازش‌نامه‌ها را در بند ۱ ماده ۳، به‌صورت کلی از محدوده حمایت اجرایی خود خارج کرده است؛ حمایت صریح کنوانسیون‌های لاهه از گزارش‌های اصلاحی، به‌دلیل عدم مقبولیت و کم بودن تعداد کشورهای عضو این معاهدات، نمی‌تواند تأثیر مثبتی در خصوص اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی توسط دادگاه‌های خارجی داشته باشد؛ قیود مبهم و متعدد مذکور در مواد ۱۷۷ و ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران نیز امکان اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی توسط دادگاه‌های خارجی را در ایران بسیار تقلیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: احکام معارض با گزارش اصلاحی، تأیید گزارش اصلاحی توسط دادگاه، سازش، سازش‌نامه، لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی.

Email: maboudi@um.ac.ir

\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۱ اسفند ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۱ شهریور ۱۴۰۰

DOI: 10.22059/JLQ.2022.318428.1007497

## ۱. مقدمه

میانجی‌گری با وجود داشتن سابقه تاریخی طولانی، در مقایسه با سایر طرق حل اختلاف مثل داوری و دادرسی، از اقبال کمتری برخوردار بوده، اما با تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری ۲۰۱۹<sup>۱</sup> (کنوانسیون سنگاپور)<sup>۲</sup> که وفق آن از سازش‌نامه به‌عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری حمایت اجرایی فرامرزی صورت گرفته است، میانجی‌گری جایگاه ویژه‌تری را نسبت به گذشته در دعاوی تجاری بین‌المللی به‌دست آورده است. شایان ذکر است ایران نیز کنوانسیون مذکور را امضا کرده است که البته تا پیش از تصویب آن توسط قوه مقننه، معاهده مذکور جزئی از حقوق موضوعه ایران محسوب نمی‌شود. همیشه این احتمال وجود دارد که طرفین اختلاف پس از اقامه دعوا نزد دادگاه، به سازش برسند و حتی در برخی موارد ممکن است طرفین دعوا خارج از دادگاه به سازش، نائل آیند و به‌منظور بهره‌مندی از حمایت اجرایی، سازش‌نامه را جهت تأیید به دادگاه ارائه کنند. در هر دو حالت، قاضی سازش‌نامه طرفین را در قالب گزارش اصلاحی منعکس می‌کند.

گزارش اصلاحی ماهیتی دوگانه دارد، زیرا از طرفی به‌دلیل دخالت انحصاری اراده طرفین دعوا در تنظیم آن، نوعی سازش‌نامه محسوب می‌شود و از طرف دیگر، به‌سبب انعکاس در دادنامه دادگاه، ماهیتی قضایی دارد. از این‌رو به‌منظور بررسی امکان و نحوه اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه‌های خارجی، از طرفی کنوانسیون سنگاپور در خصوص سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری و از طرف دیگر کنوانسیون‌های لاهه در مورد اجرای آرای دادگاه‌های خارجی («کنوانسیون توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه مصوب ۲۰۰۵»<sup>۳</sup> و «کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای قضایی خارجی در موضوعات مدنی و تجاری مصوب ۲۰۱۹»<sup>۴</sup>) قابلیت اعمال دارند و لذا تردیدهای جدی در خصوص معاهده بین‌المللی قابل اعمال به‌منظور اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه‌های خارجی به‌وجود می‌آید. موضع حقوق ایران نیز در این خصوص باید بررسی شود.

با توجه به مراتب مذکور، این مقاله موضوع حمایت اجرایی فرامرزی از گزارش‌های اصلاحی محاکم ملی را به شرح ذیل بررسی می‌کند: «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی

1. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019.

۲. از این پس «کنوانسیون سنگاپور».

3. Convention on Choice of Court Agreements 2005

4. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matter 2019

۵. از این پس، منظور از کنوانسیون‌های لاهه دو کنوانسیون «کنوانسیون توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه مصوب ۲۰۰۵» و «کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای قضایی خارجی در موضوعات مدنی و تجاری مصوب ۲۰۱۹» است.

محاکم وفق کنوانسیون سنگاپور»، «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم وفق کنوانسیون‌های لاهه» و «اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم خارجی وفق حقوق ایران».

## ۲. اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم وفق کنوانسیون سنگاپور

کنوانسیون سنگاپور در بند ۳ ماده ۱ بیان می‌دارد این کنوانسیون بر موارد ذیل قابل اعمال نیست: الف) سازش‌نامه‌هایی که: اول) توسط دادگاه تأیید شده یا در جریان دادرسی نزد دادگاه منعقد شده‌اند؛ دوم) به‌عنوان حکم در کشور متبوع دادگاه مزبور، لازم‌الاجرا هستند. عین چنین عبارتی در بند ۲ ماده ۱۶ قانون نمونه آنسیترال در زمینه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجی‌گری مصوب ۲۰۱۸<sup>۱</sup> عنوان شده است.

مفاد بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور به‌دلیل مشکلات متعدد اجرایی که در مسیر اجرای گزارش اصلاحی ایجاد می‌کند، فاقد منطق حقوقی قابل دفاعی است و باید نقد و بررسی شود. همچنین به‌منظور اعمال استثنای مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور باید دو شرط تأیید سازش‌نامه توسط دادگاه یا تنظیم آن در فرایند دادرسی و لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی وجود داشته باشد. در صورتی که هریک از شروط مذکور در خصوص گزارش اصلاحی محقق نباشند، به‌دلیل عدم تحقق استثنای مذکور، کنوانسیون سنگاپور بر سند مزبور قابل اعمال خواهد بود (Rosner, 2019: 1261). از این‌رو در ادامه، مطالب این بخش از مقاله ذیل سه مبحث ارائه می‌شود: «نقد موضع کنوانسیون سنگاپور در خصوص گزارش‌های اصلاحی»، «قید تأیید یا تنظیم سازش‌نامه توسط دادگاه در کنوانسیون سنگاپور»، «قید لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی در کنوانسیون سنگاپور».

### ۲.۱. نقد موضع کنوانسیون سنگاپور در خصوص گزارش‌های اصلاحی

غرض اصلی ذکر قاعده مکور در کنوانسیون سنگاپور، اجتناب از تداخل میان کنوانسیون مذکور با کنوانسیون‌های لاهه بوده است (Uncitral, 2016(A); Uncitral, 2016(B); Uncitral, 2017)، زیرا در صورت عدم درج شرط مذکور، گزارش اصلاحی صادره توسط دادگاه خارجی می‌تواند از دو طریق اجرا شود و برخی حقوقدانان معتقدند که این مسئله سبب سوءاستفاده طرفین دعوا می‌شود (Sussman, 2018: 49; Wendy Trachte-Huber, 2019: 166). در همین زمینه عنوان شده

1. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018

از این پس «قانون نمونه ۲۰۱۸».

است که عمل حقوقی یا سند قانونی واحد نمی‌تواند موضوع رژیم‌های اجرایی متعدد باشد و وجود جهات مختلف برای اجرای یک سازش‌نامه مطلوب نیست.

در مقابل برخی نویسندگان (Zukauskaitė, 2019: 212 ; McCormick & Ong, 2019: 536-537) و سرپرست مذاکرات، معتقدند که ذکر استثنای مذکور در کنوانسیون سنگاپور ضروری نبود و شایسته بود گزارش‌های اصلاحی نیز مشمول حمایت اجرایی کنوانسیون سنگاپور قرار می‌گرفتند، زیرا اولاً وفق نظر کشور سوئیس در مذاکرات کارگروه آنسیترال، تداخل صلاحیت کنوانسیون سنگاپور و کنوانسیون‌های لاهه با توجه به امکان انتخاب مقررات مناسب‌تر، می‌تواند به نفع طرفین دعوا باشد، اما چنین استثنایی سبب سلب حق انتخاب از طرفین دعوا می‌شود؛ ثانیاً حسب نظر کشور ایالات متحده آمریکا، این احتمال وجود دارد که نتوان گزارش اصلاحی دادگاه خارجی را توسط کنوانسیون‌های لاهه اجرا کرد. با توجه به تعداد کم کشورهای عضو کنوانسیون‌های لاهه، امکان عدم عضویت کشور محل درخواست اجرای گزارش اصلاحی در کنوانسیون‌های مذکور وجود دارد و در این صورت این مقرره کنوانسیون سنگاپور، سبب می‌شود که به‌طور کلی، حمایت اجرایی معاهداتی از اجرای سند مذکور منتفی شود؛ ثالثاً تداخل میان کنوانسیون سنگاپور و کنوانسیون‌های لاهه، باعث مشکلات جدی از لحاظ عملی و اجرایی نخواهد شد زیرا اعضای این کنوانسیون‌ها می‌توانند مقررات مناسب‌تر را اجرا کنند و در واقع معاهدات مذکور، حداقل‌ها را بیان می‌کنند نه حداکثرها را. افزون‌بر این تعیین رژیم اجرایی قابل اعمال بر گزارش اصلاحی، توسط مقام صلاحیتدار کشور محل اجرا صورت می‌گیرد و همچنین طبق قاعده حداکثر تأثیر، در صورت قابلیت اعمال چند کنوانسیون، معاهده‌ای در نهایت اعمال خواهد شد که سبب اعتبار و صحت عمل حقوقی می‌شود (جنیدی، ۱۳۹۶: ۲۰۰-۱۹۹؛ جنیدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

در همین خصوص ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور بیان می‌دارد این کنوانسیون نباید در مواردی که به سازش‌نامه استناد می‌شود، هیچ‌یک از طرفین ذی‌نفع را از حقوقی که ممکن است به‌نوعی ناشی از سازش‌نامه و در حدود قوانین و معاهدات کشور عضو کنوانسیون اعطا شده است، محروم گرداند. از این‌رو همان‌طور که برخی نویسندگان (McCormick & Ong, 2019: 530) اشاره کرده‌اند، وفق این مقرره، طرفین دعوا حق دارند از مناسب‌ترین رژیم اجرایی موجود، استفاده کنند، زیرا مفاد ماده ۷ کنوانسیون سنگاپور نشان می‌دهد که تنظیم‌کنندگان کنوانسیون به‌دنبال بهره‌مندی طرفین دعوا از بالاترین سطح حمایت اجرایی از گزارش اصلاحی بوده‌اند و تفاوتی نمی‌کند که بالاترین سطح، حمایت کنوانسیون سنگاپور یا بالاترین سطح حمایت کنوانسیون‌های لاهه باشد.

استثنائات مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون، تعارض آشکاری با ماده ۷ این معاهده دارد، زیرا استثنا کردن گزارش‌های اصلاحی از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور، در مواردی سبب عدم تأمین بالاترین سطح حمایت و حتی فقدان حمایت در برخی گزارش‌های اصلاحی می‌شود. همان‌طور که کشورهای ایالات متحده آمریکا، سوئیس و سنگاپور در مذاکرات کارگروه آنستریال تأکید کردند، ممکن است به دلیل عدم الحاق کشور محل درخواست اجرای گزارش اصلاحی به کنوانسیون‌های لاهه، سند مذکور از حمایت اجرایی معاهدات لاهه بهره‌مند نشود، در این صورت گزارش اصلاحی مذکور با توجه به بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، به دلیل ذکر در دادنامه دادگاه مشمول حمایت این کنوانسیون نیز نخواهد شد. در این وضعیت، گزارش اصلاحی مشمول حمایت هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مذکور نمی‌شود. متعارض بودن دو مقررۀ مزبور، نشان‌دهنده سردرگمی تنظیم‌کنندگان کنوانسیون سنگاپور در تضمین بالاترین حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌هاست.

صرف‌نظر از ملاحظات مذکور، دست‌کم، شایسته بود که بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور، صرفاً گزارش‌های اصلاحی مشمول حمایت اجرایی کنوانسیون‌های لاهه (و نه تمامی گزارش‌های اصلاحی محاکم) را از حمایت خود استثنا می‌کرد. در این صورت هم هدف عدم ایجاد تعارض میان کنوانسیون سنگاپور و کنوانسیون‌های لاهه محقق می‌شد و هم در صورت عدم حمایت اجرایی کنوانسیون لاهه، طرفین دعوا می‌توانستند از حمایت کنوانسیون سنگاپور بهره‌مند شوند. اما در مقررۀ مزبور، معیار صرف ذکر سازش‌نامه در رأی دادگاه و لازم‌الاجرا بودن آن است.

از منظر برخی نویسندگان (Morris-Sharma, 2019: 506; Schnabel, 2019(A): 25)، در مجموع درج این استثنا در کنوانسیون اقدامی صحیح بود، زیرا این وضعیت در موارد بسیار محدودی رخ می‌دهد، اما درج این مقررۀ سبب امکان اجماع بر مسائل بسیار مهم‌تری شد. به بیان برخی نویسندگان (Žukauskaitė, 2019: 212) رسیدن به اجماع در خصوص اجرای سازش‌نامه‌ها در کنوانسیون سنگاپور امری دشوار بوده و حتی در ابتدای مذاکرات امکان به بن‌بست رسیدن آن وجود داشته است، از این‌رو برای حصول این اجماع باید خواست برخی کشورها و سازمان‌ها به‌خصوص اتحادیه اروپا اجابت می‌شده است.

حداقل تنظیم‌کنندگان کنوانسیون به‌منظور تأمین نظر کشورها یا سازمان‌هایی مثل اتحادیه اروپا می‌توانستند این استثنا را در قسمت حق شرط‌ها قرار دهند و هر کشور یا سازمانی می‌توانست به‌صورت اختیاری محدوده اعمال کنوانسیون توسط خود را محدود سازد و کشورهایی که متوجه این ضعف کنوانسیون هستند و نمی‌خواهند چنین استثنایی در قلمرو اعمال کنوانسیون وارد شود، بتوانند کنوانسیون را بدون استثنای مذکور اجرا کنند و در این

صورت در کشورهایی که حق شرط مذکور را اعمال نکرده باشند، امکان اجرای گزارش اصلاحی دادگاه خارجی وجود داشته باشد.

## ۲.۲. قید تأیید یا تنظیم سازش‌نامه توسط دادگاه در کنوانسیون سنگاپور

سازش‌نامه‌هایی که طی رسیدگی نزد دادگاه تنظیم شده اما تأیید و ثبت نشده‌اند و به‌عنوان دادنامه قضایی لازم‌الاجرا نیستند، در محدوده کنوانسیون سنگاپور قرار می‌گیرند و شامل استثنای بند ۱ ماده ۳ معاهده مذکور نمی‌شوند (Morris-Sharma, 2019: 503). حتی در مواردی که طرفین در ابتدا قصدی برای سازش نداشته‌اند اما پس از طرح دعوا نزد قاضی تصمیم به سازش گرفته‌اند، چنین سازشی در محدوده کنوانسیون قرار می‌گیرد (Morris-Sharma, 2019: 504-505)، زیرا صرف دخالت قاضی در فرایند سازش، سازش‌نامه را از محدوده کنوانسیون سنگاپور مستثنا نمی‌کند (Chua, 2019: 573) و باید سازش‌نامه نهایی توسط دادگاه تنظیم شده باشد.

مراد عبارت مبهم «تأیید سازش‌نامه توسط دادگاه» مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور مشخص نیست. گاهی واقعاً طرفین دعوا برای تأیید سازش‌نامه خود به دادگاه مراجعه می‌کنند. برای مثال در کشورهایی که از سازش‌نامه حمایت اجرایی صورت نمی‌گیرد و صرفاً سازش‌نامه یک قرارداد محسوب می‌شود، ممکن است طرفین دعوا تقاضای تأیید آن را از دادگاه داشته باشند. در این صورت با توجه به تأیید سازش‌نامه توسط دادگاه و تغییر ماهیت آن از سازش‌نامه عادی به سازش‌نامه تأییدشده توسط دادگاه، این سازش‌نامه از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور خارج می‌شود.

گاهی طرفین برای «شناسایی و اجرای» سازش‌نامه و نه تنفیذ آن، به دادگاه مراجعه می‌کنند. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که اگر دستور اجرای سازش‌نامه توسط دادگاه صادر شد، در این صورت سازش‌نامه مذکور توسط دادگاه تأیید شده و از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور خارج می‌شود؟

در اینجا دو حالت قابل بحث است. ممکن است نظام حقوقی کشور مقرر دادگاه، کنوانسیون سنگاپور را پذیرفته باشد. در این صورت قاضی دادگاه مطابق کنوانسیون سنگاپور از سه نظر باید سازش‌نامه تنظیمی را تأیید کند. همان‌طور که برخی نویسندگان (McCormick & Ong, 2019: 4; Chua, 2019, 574; Schnabel, 2019(B): 534) بیان داشته‌اند، تنظیم‌کنندگان کنوانسیون سنگاپور به دلیل تفاسیر متفاوت کشورها از مفهوم شناسایی یا تأیید و ممانعت از دخالت دادگاه‌ها در خصوص اجرای سازش‌نامه‌ها، عبارت مذکور را در متن کنوانسیون وارد نکردند، اما با بررسی

مقررات کنوانسیون به نظر می‌رسد، با وجود عدم ذکر تعبیر شناسایی یا تأیید، تا حدی این اختیار به دادگاه اجراکننده سازش‌نامه داده شده است.

در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون، دادگاه اجراکننده سازش‌نامه، در صورتی که موضوع سازش‌نامه مخالف نظم عمومی قانون مقر دادگاه یا جزء موارد سازش‌ناپذیر وفق قانون مذکور باشد، می‌تواند از اجرای رأی دادگاه خودداری ورزد. شایان ذکر است وفق نظر برخی نویسندگان (کاشی آرنی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)، نظم عمومی در مقررات حقوقی هر کشوری دارای مفهومی مستقل است. به هر حال قاضی برای احراز این مسئله، باید سازش‌نامه را مطابق مقررات داخلی خود شناسایی یا تأیید کند. از طرفی در بسیاری از کشورها نظم عمومی مصادیق مشخص ندارد یا می‌توان از موارد غیرقابل سازش تفسیر موسعی اتخاذ کرد. از این رو قاضی می‌تواند با تفسیر خود از مقررات داخلی، از اجرای سازش‌نامه خودداری ورزد و عملاً اجرای سازش‌نامه وابسته به عقیده شخصی قاضی اجراکننده سازش‌نامه و منوط به شناسایی یا تأیید وی می‌شود (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵۹).

همچنین مطابق پاراگراف اول بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور، یکی از موانع اجرای سازش‌نامه در شرایطی است که براساس قانونی که طرفین، آن را حاکم بر سازش‌نامه قرار داده‌اند یا قانون انتخاب‌شده توسط مقام صالح کشور محل اجرا، سازش‌نامه، باطل، نامعتبر یا غیرقابل اجرا باشد یا هیچ قرینه‌ای مبنی بر قابلیت اجرای سازش‌نامه وجود نداشته باشد. مطابق مقرره مورد اشاره، دادگاه محل اجرا باید احراز کند که مطابق قانون حاکم، سازش‌نامه به صورت صحیح منعقد شده است. به‌طور مشخص این اقدام دادگاه نوعی تأیید یا شناسایی سازش‌نامه است.

کنوانسیون سنگاپور در موارد مذکور نه از اصطلاح تأیید استفاده می‌کند و نه اصطلاح شناسایی را به‌کار می‌برد. به نظر می‌رسد مصادیق مذکور نسبت به شناسایی به تأیید بسیار نزدیک‌ترند. به‌خصوص موردی که اشاره می‌کند که سازش‌نامه باطل، نامعتبر یا غیرقابل اجرا باشد. از این رو به نظر می‌رسد دادگاه اجراکننده موظف است سازش‌نامه را مطابق کنوانسیون سنگاپور تأیید کند. در این صورت دادگاه اجراکننده سازش‌نامه در واقع باید پیش از صدور دستور اجرا، سازش‌نامه را تأیید کند و در این صورت با توجه به بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون، به دلیل تأیید سازش‌نامه توسط دادگاه، سند مذکور از محدوده اعمال کنوانسیون سنگاپور خارج می‌شود و این موضوع سبب می‌شود که سازش‌نامه‌های مشمول کنوانسیون سنگاپور فقط یکبار قابل اجرا باشند. برای مثال یکی از طرفین دعوا درخواست اجرای سازش‌نامه را از دادگاه‌های سنگاپور می‌کند. دادگاه مذکور با توجه به مقررات کنوانسیون، ابتدائاً مفاد سازش‌نامه را وفق مقررات سه‌گانه مذکور تأیید و دستور اجرای سازش‌نامه را صادر می‌کند.

حال همان طرف دعوا به دلیل عدم کشف اموال طرف مقابل در سنگاپور، تصمیم می‌گیرد که تقاضای اجرای سازش‌نامه را از دادگاه‌های کشور قطر کند. در این صورت دادگاه‌های قطر به دلیل تأیید قبلی سازش‌نامه در دادگاه‌های سنگاپور و وفق بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون، نمی‌توانند چنین سازش‌نامه‌ای را اجرا کنند. در این صورت، سازش‌نامه مذکور دارای قابلیت اجرایی تک‌مرحله‌ای می‌شود، زیرا فقط در کشور اولی که برای اجرا ارائه شده است، قابل اجرا خواهد بود.

این مسئله مشکل بزرگی به منظور اجرای نهایی سازش‌نامه‌ها ایجاد می‌کند، زیرا در بسیاری از موارد ممکن است اموال متعهد در یکی از کشورها یافت نشود و نیاز باشد که اجراییه در چند کشور مختلف صادر شود، اما رویه کنوانسیون سنگاپور سبب می‌شود که کشورها به بهانه اجرای سازش‌نامه توسط یک دادگاه و تأیید آن توسط دادگاه مزبور، از اجرای سازش‌نامه خودداری ورزند.

شاید برای حل مشکل مذکور بیان شود که تأیید دادگاه اجراکننده سازش‌نامه به معنای تأیید مذکور در پاراگراف اول بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور نیست و منظور، تأیید محض و نه تأیید در مقام اجراست. این موضوع در متن کنوانسیون ذکر نشده است و ملاک، متن خروجی یک کنوانسیون یا هر سند قانونی است و قصد تنظیم‌کنندگان یا تفسیر صاحب‌نظران حقوقی نمی‌تواند این مشکل را حل کند. اعتبار کنوانسیون ناشی از اراده تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس آن نیست و اعتبار این کنوانسیون از اراده امضاکنندگان متن کنوانسیون ناشی می‌شود و معطوف کردن تأیید به تأیید محض و نه تأیید در مقام اجرا، تحمیل مسائلی به کنوانسیون است.

### ۲.۳. قید لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی در کنوانسیون سنگاپور

سازش‌نامه‌ها فقط به دلیل شناسایی به‌عنوان حکم دادگاه از محدوده اعمال کنوانسیون استثنا نشده‌اند، افزون‌بر این وفق فراز دوم پاراگراف اول بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون، سازش‌نامه‌ها باید به‌عنوان حکم در کشور متبوع دادگاه مزبور، لازم‌الاجرا باشند تا مشمول استثنای مزبور شوند. برای مثال در حالتی که مدت زمان درخواست اجرای سازش‌نامه در یک کشور مشخص گذشت و دیگر در آن کشور سازش‌نامه مذکور لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شد، به‌نظر می‌رسد این سازش‌نامه تحت محدوده اعمال کنوانسیون قرار می‌گیرد، زیرا با اینکه سازش‌نامه به‌عنوان حکم در آن کشور شناخته می‌شود، اما لازم‌الاجرا نیست (Schnabel, 2019(A): 26). برای مثال در قانون مرور زمان بریتانیا مصوب ۱۹۸۰ در ماده ۲۴، مرور زمان شش‌ساله برای اجرای احکام دادگاه‌ها در نظر گرفته شده است.



به نظر برخی نویسندگان (Morris-Sharma, 2019: 504) تعیین لازم‌الاجرا بودن یا نبودن حکم به‌منظور هماهنگی با مقررات کنوانسیون‌های لاهه، وفق مقررات کشوری که در آن سازش‌نامه طی رسیدگی قضایی تنظیم شده است (کشور مقرر دادگاه صادرکننده رأی)، صورت می‌گیرد و موضع قانونی کشور محل اجرا در خصوص رأی صادرشده اهمیتی ندارد. اما باید توجه داشت که احراز لازم‌الاجرا بودن دادنامه منعکس‌کننده سازش‌نامه طرفین وفق قوانین محل دادگاه تنظیم‌کننده رأی، به‌راحتی امکان‌پذیر نیست، زیرا ممکن است قاضی صادرکننده رأی دادگاه، از مقررات کشور مقرر دادگاه صادرکننده رأی مطلع نباشد و نیاز است از یک متخصص برای بررسی قواعد شکلی دادگاه مذکور استفاده کند. البته دادگاه اجراکننده می‌تواند ارزیابی خود را براساس نظر کارشناسی قبلی انجام دهد یا از طرف مخاطب اجرا، درخواست کند که چنین مدرکی را ارائه کند، زیرا وفق بند ۴ ماده ۴ کنوانسیون، دادگاه اجراکننده گزارش اصلاحی، می‌تواند هر مدرک مورد نیازی را درخواست کند (Rosner, 2019: 1260-1261).

#### ۴. اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم وفق کنوانسیون‌های لاهه

به‌طور کلی اجرای آرای دادگاه‌های خارجی از جمله گزارش اصلاحی صادره توسط دادگاه کشور خارجی، با توجه به حساسیت دولت‌ها به امکان نقض حاکمیت آنها، همیشه با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو بوده است، زیرا اصولاً دادگاه‌های یک کشور تعهدی به اجرای آرای دادگاه‌های خارجی ندارند، مگر اینکه بر وجود چنین تعهدی وفق یک عهدنامه دوجانبه یا چندجانبه توافق شده باشد (Chua, 2019: 578). به‌حدی که برخی نویسندگان (Sussman, 2008: 16; Nigmatullina, 2019: 39; 2011: 392-393) معتقدند حتی در مواردی که امکان ذکر سازش‌نامه در رأی دادگاه وجود دارد، به‌دلیل سختی‌های اجرای آرای قضایی خارجی، اغلب رأی صادره فاقد ارزش است.

با وجود معاهدات بین‌المللی در خصوص اجرای آرای دادگاه‌ها، به‌دلیل استقبال کم کشورها از معاهدات مذکور، اغلب طرفین دعوا سعی می‌کنند که آرای دادگاه‌های خارجی را براساس قوانین داخلی و عهدنامه‌های دوجانبه و محلی اجرا کنند. البته این رویکرد با توجه به متفاوت بودن شرایط اجرای آرای دادگاه‌های خارجی وفق قوانین ملی کشورها و عهدنامه‌های دوجانبه یا محلی، سبب می‌شود که ارائه یک قاعده عام در خصوص اجرای گزارش اصلاحی تنظیمی توسط دادگاه خارجی امکان‌پذیر نباشد و این مسئله سبب ایجاد عدم اطمینان در فضای تجاری بین‌المللی می‌شود که تجار در مکان‌های مختلف تجارت می‌کنند و احتمال دارد اموال متعددی در کشورهای مختلف داشته باشند (Treichl, 2020: 6; Chua, 2019: 578).

در صورت حصول سازش‌نامه پس از شروع فرایند دادرسی و ذکر آن در رأی دادگاه، در بسیاری از کشورها چنین تصمیمی به‌عنوان تصمیم نهایی دادگاه تلقی می‌شود (Wolski, 2014: 7; Chua, 2019: 577; Chua, 2015: 95). حتی قوانین داخلی کشورها در برخی موارد اجازه می‌دهند که دادگاه براساس یک سازش‌نامه (بدون طرح قبلی آن در دادگاه) رأی صادر کند. برای مثال در ماده ۱۳ قانون میانجی‌گری تجاری کانادا مصوب ۲۰۱۰، قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان ۱۹۹۸، ماده ۷ قانون روش‌های جایگزین حل اختلاف فیلیپین مصوب ۲۰۰۴ و ماده ۱۲ قانون میانجی‌گری سنگاپور مصوب ۲۰۱۷ اجازه داده شده است که سازش‌نامه توسط دادگاه ثبت شود و همانند رأی دادگاه از قدرت اجرایی برخوردار شود (Chua, 2019: 578; Sussman, 2011: 393; Sussman, 2008: 16; Quek Anderson, 2015: 130).

مهم‌ترین سند منطقه‌ای در خصوص اجرای آرای دادگاه‌های خارجی توسط اتحادیه اروپا مصوب شده است. در بند ۲ ماده ۶ دستورالعمل میانجی‌گری در خصوص امور مدنی و تجاری مصوب ۲۰۰۸<sup>۱</sup> عنوان شده است: «مفاد توافق‌نامه می‌تواند توسط دادگاه یا مقام صالح دیگر، با ذکر در رأی، تصمیم یا با استفاده از ابزار معتبر دیگر وفق قانون کشور عضو محل درخواست اجرا، لازم‌الاجرا تلقی شود».

بی‌گمان بهترین راه برای ایجاد رویه مشخص در راستای اجرای آرای دادگاه‌های خارجی، تنظیم و تصویب معاهدات بین‌المللی است. در این خصوص کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای قضایی خارجی در موضوعات مدنی و تجاری مصوب ۱۹۷۱<sup>۲</sup> تنظیم شد، اما متأسفانه فقط پنج کشور (کویت، آلبانی، هلند، پرتغال و قبرس) به این کنوانسیون پیوستند و معاهده مذکور فقط در صورتی که سازش‌نامه در حین فرایند رسیدگی قضایی تنظیم شده باشد، اعمال می‌شود.

کنوانسیون توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه مصوب ۲۰۰۵، معاهده‌ای به‌نسبت موفق با ۳۲ عضو است که امکان شناسایی و اجرای آرای دادگاه خارجی منتخب طرفین وفق قرارداد انتخاب دادگاه را ایجاد می‌کند. البته کشورهای ایالات متحده آمریکا و چین تنها کنوانسیون را امضا کرده‌اند و به آن نپیوستند. همچنین با توجه به عدم گستردگی جغرافیایی کشورهای عضو این کنوانسیون (دو کشور آسیایی، یک کشور از آمریکای لاتین و هیچ کشوری از آفریقا و خاورمیانه) هنوز نمی‌توان این کنوانسیون را بسیار موفق دانست (Chua, 2019: 579; Treichl, 2020: 6-7; Chua, 2019: 578; Wolski, 2013: 56-57).

1. Directive of the European Parliament and of the Council on Certain Aspects of Mediation in Civil and Commercial Matters 21 May 2008.

2. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters 1971.

اجرایی کنوانسیون توافقنامه‌های انتخاب دادگاه، باید توافقنامه میانجی‌گری شامل شرط انحصاری انتخاب دادگاه باشد و بعد دادگاه سازش‌نامه را در رأی خود ذکر کند. چنین سازوکاری چندان قابل دفاع نیست، زیرا طرفین دعوا ممکن است در ابتدای فرایند سازش، امکان اجرای سازش‌نامه را در کشوری دیگر پیش‌بینی نکنند (Chua, 2019: 579).

در ماده ۱۲ کنوانسیون مذکور بیان شده است: «گزارش‌های اصلاحی (قراردادهای قضایی): گزارش‌های اصلاحی (قراردادهای قضایی) که در دادگاه انحصاری منتخب طرفین در کشور متعاقد، تأیید یا در جریان دادرسی وی تنظیم شده و در کشور مبدأ به‌مثابه حکم دادگاه، لازم‌الاجراست، باید وفق این کنوانسیون همانند حکم دادگاه اجرا شود». همچنین ماده ۱۳ در مقام بیان مستندات لازم‌الارائه از سوی متقاضی اجرا، عنوان می‌دارد: «مدارک لازم: متقاضی شناسایی یا اجرای (حکم دادگاه)، باید (مدارک ذیل) را تقدیم کند: ه) در صورتی که پرونده مشمول ماده ۱۲ باشد، گواهی دادگاه کشور مبدأ مبنی بر اینکه گزارش اصلاحی موردنظر یا بخشی از آن، به‌مثابه حکم دادگاه در کشور مبدأ لازم‌الاجراست».

کنوانسیون توافقنامه‌های انتخاب دادگاه لاهه ۲۰۰۵ نسبت به کنوانسیون سنگاپور دارای مزیت‌هایی است: اولاً کنوانسیون لاهه جامع‌تر است، زیرا شامل دعاوی تجاری و مدنی می‌شود، اما کنوانسیون سنگاپور صرفاً شامل دعاوی تجاری است؛ ثانیاً موانع اجرا مذکور در ماده ۵ کنوانسیون لاهه نسبت به موانع اجرای ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور بسیار محدود و مضیق است. علی‌رغم مطالب مکور، مهم‌ترین مزیت کنوانسیون سنگاپور تعداد بالای کشورهای ملحق‌شونده به آن (۵۳ کشور امضاکننده کنوانسیون و ۶ کشور تصویب‌کننده) نسبت به کنوانسیون لاهه است.

کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه، پیش‌نویس کنوانسیون جامعی در خصوص اجرای احکام دادگاه‌های خارجی را تهیه کرد که شامل تمامی آرای قضایی خارجی صادره در موضوعات مدنی و تجاری می‌شود. کنوانسیون مذکور در سال ۲۰۱۹ با نام «کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام قضایی خارجی در موضوعات مدنی یا تجاری مصوب ۲۰۱۹»<sup>۱</sup> به تصویب رسید و در حال حاضر تنها دو کشور اوکراین و اروگوئه آن را امضا کرده‌اند و هنوز معاهده مذکور اجرایی نشده است. به نظر برخی نویسندگان (Wilking, 2015: 42)، امکان اجرایی شدن این کنوانسیون زیاد نیست. در ماده ۱۱ و بند «د» ماده ۱۲ این کنوانسیون، در خصوص اجرای گزارش‌های اصلاحی محاکم خارجی، رویکردی شبیه کنوانسیون توافقنامه انتخاب دادگاه ۲۰۰۵ اتخاذ شده است.

1. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matter 2019.

## ۵. اجرای فرامرزی گزارش‌های اصلاحی محاکم خارجی وفق حقوق ایران

پیش از بیان هر مطلبی، شایان ذکر است مطالبی که در این خصوص بیان می‌شود، معطوف به وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران است که هنوز به کنوانسیون‌های سنگاپور و لاهه ملحق نشده است.

در بادی امر، در خصوص اجرای گزارش اصلاحی دادگاه خارجی، در نظام حقوقی ایران وفق ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، تردیدهای جدی مطرح است، چراکه ماده مذکور دارای مقرراتی در مورد اجرای «احکام» دادگاه‌های خارجی است، درحالی‌که گزارش اصلاحی به‌عنوان نوعی «قرارداد» قضایی نمی‌تواند حکم محسوب شود. عدم امکان اطلاق عنوان رأی به گزارش اصلاحی، از برخی مواد قانون آیین دادرسی مدنی قابل استنباط است. ماده ۲۹۹ قانون مذکور، انواع آرای دادگاه‌ها را حکم و قرار عنوان می‌کند و وفق مقررۀ مذکور گزارش اصلاحی از انواع رأی محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۸۴ قانون اخیرالذکر نیز عنوان سند مذکور را گزارش اصلاحی و سازش‌نامه قرار داده است. افزون‌بر این در مواد ۱۶۹ به بعد قانون اجرای احکام مدنی از اصطلاح حکم استفاده شده و حتی در بند ۴ ماده ۱۶۹ افزون‌بر به‌کار بردن اصطلاح حکم، وصف قطعی نیز استفاده شده که ویژه رأی است. به اعتقاد برخی نویسندگان (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵۵؛ مردانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸) برای اجرای احکام محاکم خارجی، باید دستور صادرشده توسط دادگاه، مطابق قوانین مقر دادگاه محل صدور و دادگاه محل شناسایی و اجرا حکم تلقی شود. در نتیجه با توجه به تفاوت ماهیت گزارش اصلاحی با حکم، گزارش اصلاحی تنظیم‌شده در دادگاه خارجی را نمی‌توان حکم دانست و درخواست اجرای آن را براساس ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی از دادگاه ایران درخواست کرد (شمس، ۱۳۹۸: ۱۳۷-۱۳۶). با توجه به مراتب مذکور، در حقوق ایران گزارش اصلاحی، رأی محسوب نمی‌شود (بهری و کاویار، ۱۳۹۳: ۳۲۵)، اما به‌نظر می‌رسد می‌توان آن را سند تلقی کرده و مطابق قواعد مربوط به اجرای اسناد خارجی، سند مذکور را اجرا کرد (شمس، ۱۳۹۸: ۱۳۷-۱۳۶).

در خصوص اجرای اسناد خارجی در دادگاه‌های ایرانی که گزارش اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه خارجی نیز از انواع آن است، دو ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی وجود دارند. ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی مربوط به اجرای اسناد خارجی به‌صورت عام و ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی به‌صورت خاص، درباره اجرای اسناد «لازم‌الاجرای» خارجی است. ازاین‌رو اگر گزارش اصلاحی دادگاه خارجی لازم‌الاجرا نباشد، اجرای آن وفق ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی صورت می‌گیرد و اگر گزارش اصلاحی دادگاه خارجی لازم‌الاجرا باشد، اجرای آن مطابق مقررات ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی خواهد بود.

براساس ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی، چنانچه گزارش اصلاحی دادگاه خارجی، سازش‌نامه تنظیمی نزد سردفتر یا میانجی عادی لازم‌الاجرا تلقی نشود، دادگاه‌های ایران سازش‌نامه‌های مذکور را لازم‌الاجرا قلمداد نخواهند کرد، اما اگر سند مزبور دارای اعتبار مدنی نزد نظام حقوقی مبدأ باشد و شرایط چهارگانه ذیل ماده را در برداشته باشد، در نظام حقوقی ایران نیز دارای اعتبار مدنی قلمداد خواهد شد که البته موضوع اعتبار مدنی اسناد از بحث مقاله حاضر خارج است و این مقاله صرفاً بر حمایت اجرایی تمرکز دارد.

در خصوص اجرای گزارش اصلاحی تنظیمی لازم‌الاجرا در دادگاه‌های خارجی، ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ملاک خواهد بود. ماده اخیرالذکر بیان می‌دارد که اسناد تنظیم‌شده لازم‌الاجرا در کشورهای خارجی، مطابق ترتیب و شرایطی اجرا می‌شوند که برای اجرای احکام دادگاه‌های خارجی مقرر است. به عبارت دیگر، بر فرض که گزارش اصلاحی در نظام حقوقی کشوری دیگر لازم‌الاجرا قلمداد شود، در ایران در صورتی از حمایت اجرایی برخوردار خواهد بود که شرایط هشت‌گانه ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی را در بر داشته باشد؛ بدان‌معنا که اگرچه بدو ماده ۱۶۹ قانون اخیرالذکر مربوط به احکام دادگاه‌ها و نه گزارش‌های اصلاحی به‌نظر می‌رسد، مع‌ذک در نهایت با ارجاع ماده ۱۷۷ همان قانون، همزمان هم در مورد احکام خارجی و هم اسناد خارجی از جمله گزارش‌های اصلاحی محاکم خارجی، لازم‌الاتباع است. بررسی بندهای ماده اخیرالذکر بیانگر این نکته است که فهرست موانع شناسایی و اجرای اسناد مزبور در قانون اجرای احکام مدنی از بندهای چهارگانه ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی، بسیار مفصل‌تر است و در نتیجه، احتمال حمایت اجرایی نیز بسیار کمتر خواهد بود.

از جمله نقدهای وارد بر ماده ۱۷۷ معطوف به بند ۳ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی آن است که اجرای گزارش‌های اصلاحی دادگاه‌های خارجی را با مانع مبهم و غیرمتعارف تحت عنوان مخالفت با قوانین مخصوص مواجه کرده و در عین حال در هیچ‌کجا بیان نکرده است که منظور از قوانین مخصوص چیست؟ بدیهی است نمی‌توان مقصود از قوانین مخصوص را قوانین مرتبط با نظم عمومی قلمداد کرد، زیرا قوانین مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه به‌عنوان مانع مستقل در بند ۲ همین ماده تصریح شده و تکرار مکررات آن هم در دو بند متوالی، خلاف حکمت قانونگذاری است. این در حالی است که استثنائات قانونی در صدر ماده مذکور نیز اشاره شده و نیازی به تکرار آن در بند ۳ نبوده است. در عین حال، باید گفت که عبارت قوانین مخصوصه در بند مورد بحث، معنای محصل و مؤثری ندارد و باید محمول بر مسامحه قانونگذار تلقی شود.

بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون مذکور مشخص نکرده است که از اعتبار افتادن حقوقی اسناد مذکور مدنظر بوده است یا بی اعتباری از منظر قضایی؛ بدین توضیح که اگر دادگاه ایران احراز کند که گزارش اصلاحی صادره در دادگاه خارجی، وفق قانون کشور محل تنظیم سند مذکور از اعتبار افتاده است، آیا صرف چنین مسئله‌ای می‌تواند مانع حمایت اجرایی شود یا باید حکم دادگاه خارجی مبنی بر ابطال گزارش اصلاحی مذکور صادر شده باشد؟ همچنین اگر با وجود صدور حکم ابطال گزارش اصلاحی توسط دادگاه خارجی محل تنظیم سند مذکور، دادگاه ایران معتقد باشد که گزارش اصلاحی مطابق قوانین کشور محل تنظیم آن به صورت معتبر صادر شده است، در این صورت حکم ابطال گزارش اصلاحی توسط دادگاه خارجی محل تنظیم گزارش اصلاحی، برای دادگاه رسیدگی کننده به درخواست شناسایی و اجرای سازش نامه و به طور کلی نظام قضایی ایران لازم‌الاتباع است یا خیر؟.

نکته دیگری که در ماده ۱۶۹ قانون مزبور سؤالاتی را ایجاد می‌کند، بند ۵ ماده موردنظر است. سؤال نخست آن است که اگر از دادگاه‌های ایران حکمی غیرقطعی مخالف گزارش اصلاحی دادگاه خارجی صادر شده باشد، آیا مانع اجرای گزارش اصلاحی محسوب می‌شود یا خیر؟ اطلاق بند مذکور، مانعیت حکم غیرقطعی را به ذهن متبادر می‌کند و موضع مزبور قابل دفاع به نظر می‌رسد، زیرا حتی حکم غیرقطعی مذکور، مستعد آن است که مانع اجرای گزارش اصلاحی دادگاه خارجی شود، چراکه در صورت قطعی شدن حکم موردنظر پس از اجرای گزارش اصلاحی و خروج وجوه حاصل از اجرای گزارش اصلاحی از کشور توسط متقاضی اجرای گزارش مزبور، اعاده وضع به حال سابق، ممتنع یا لااقل به شدت متعسر می‌شود.

سؤال دوم در خصوص بند مزبور آن است که اگر در دادگاه‌های ایران گزارش اصلاحی دیگری مخالف با گزارش اصلاحی موضوع تقاضای اجرا، تنظیم شده باشد، آیا گزارش اصلاحی مزبور نیز همانند احکام دادگاه‌ها قدرت مانعیت برای اجرای گزارش اصلاحی متعارض را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت قابل توجیه و دفاع باشد؛ در حقیقت نباید گزارش اصلاحی تنظیمی در دادگاه خارجی را از اعتباری بالاتر از گزارش اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه‌های ایران برخوردار ساخت.

سؤال سوم آن است که چنانچه گزارش اصلاحی دادگاه خارجی موضوع درخواست اجرا با گزارش اصلاحی تنظیمی نزد داور یا سردفتر اسناد رسمی در ایران، تعارض داشته باشد، آیا این امر مانع حمایت اجرایی از گزارش اصلاحی دادگاه خارجی خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش باید بین دو فرض قائل به تفکیک شد: فرض نخست آن است که گزارش اصلاحی یا سازش نامه تنظیمی نزد داور یا سردفتر اسناد رسمی در ایران، با درخواست از دادگاه ایرانی، موضوع صدور اجرائیه قضایی، واقع شده باشد؛ در این فرض، اجرائیه قضایی صادره از دادگاه

ایرانی، نباید کمتر از حکم دادگاه ایرانی که مورد تصریح بند ۵ ماده مذکور قرار گرفته است، تأثیر داشته باشد و در نهایت باید در تعارض بین سند قضایی ایرانی (اجرائیه دادگاه ایرانی) و سند قضایی خارجی (گزارش اصلاحی دادگاه خارجی)، به نفع نظام قضایی ملی، دآوری کرد. فرض دوم، آن است که گزارش اصلاحی یا سازش‌نامه تنظیمی نزد داور یا سردفتر اسناد رسمی در ایران، به صدور اجرائیه منجر نشده باشد. در این فرض، به نظر می‌رسد مجرد سند مخالف ایرانی، طبق بندهای مختلف ماده ۱۶۹ قانون اخیرالذکر و نیز مفهوم مخالف بند ۵ همان ماده، نمی‌تواند مانع حمایت اجرایی از گزارش اصلاحی دادگاه خارجی به حساب آید. سؤال چهارم آن است که آیا تنظیم سازش‌نامه معارض نزد اشخاص عادی در ایران (نه توسط دادگاه، داور یا سردفتر)، مانع حمایت اجرایی از گزارش اصلاحی دادگاه خارجی خواهد بود؟ به دلایل یادشده و البته به قیاس اولویت، پاسخ منفی است.

نقد دیگری که بر موضع قانونگذار وارد به نظر می‌رسد، آن است که گزارش‌های اصلاحی تنظیمی نزد دادگاه خارجی فاقد صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را به دلیل صلاحیت انحصاری دادگاه ایران، طبق بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی با عطف به ماده ۱۷۷ همان قانون، مورد حمایت اجرایی قرار نمی‌دهد، درحالی‌که در حقوق داخلی گزارش اصلاحی تنظیمی نزد مرجع غیرصالح، همان آثار گزارش اصلاحی صادره از مرجع صلاحیت‌دار را داراست. این مطلب، به سهولت از جمله اخیر ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز تبصره ماده ۱۸۲ همان قانون، قابل استنباط است. شایان ذکر است علت عدم لزوم حساسیت در خصوص صلاحیت در موضوع بحث حاضر آن است که اساساً دادگاه خارجی در این زمینه اتخاذ تصمیم نکرده، بلکه عیناً توافقات طرفین را درج کرده است و به معنای واقعی کلمه، صلاحیت یا عدم صلاحیت، موضوعیت ندارد.

افزون‌بر مشکل تکثر شروط حمایت اجرایی ناشی از ارجاع ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی به ماده ۱۶۹ همان قانون، نقد دیگری که بر ماده ۱۷۷ مزبور وارد است آن است که ماده موردنظر، نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشور محل تنظیم سند را مرجع تشخیص موافقت تنظیم سند با قوانین محل قلمداد کرده، درحالی‌که نماینده مذکور، لزوماً صلاحیت علمی و حقوقی لازم برای تشخیص این امر را دارا نیست، زیرا ظرافت‌های این امر بیش از آن است که بتواند توسط دیپلمات فاقد تحصیلات حقوقی تشخیص داده شود.

یکی از سؤالاتی که شایسته طرح و بحث به نظر می‌رسد، آن است که آیا ابهام گزارش اصلاحی تنظیمی دادگاه خارجی، مانع حمایت اجرایی قلمداد می‌شود یا خیر؟ با توجه به اطلاق مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی، پاسخ منفی ناگزیر می‌نماید. از این رو سؤال متعاقب آن است که رفع ابهام از گزارش اصلاحی موردنظر توسط چه مرجعی انجام خواهد

گرفت؟ در مورد ابهام متن گزارش‌های اصلاحی صادره از مراجع قضایی ایرانی، طبق ملاک ماده ۲۷ قانون اخیرالذکر، دادگاه تنظیم‌کننده گزارش اصلاحی باید به رفع ابهام اقدام کند، نه دادگاهی که گزارش اصلاحی توسط وی اجرا می‌شود. همین سؤال در فرض صدور گزارش اصلاحی از سوی دادگاه خارجی نیز قابل طرح است و چنانچه موضع مشابه فرض داخلی موضوع، اتخاذ شود، دادگاه اجراکننده گزارش اصلاحی را با مشقت مکاتبه و استعلام از دادگاه خارجی تنظیم‌کننده گزارش اصلاحی مواجه خواهد ساخت. در مقابل، ممکن است از اطلاق ماده ۱۷۹ قانون اجرای احکام مدنی، صلاحیت دادگاه ایرانی به رفع ابهام، استنباط شود؛ برداشتی که با ملاحظات عملی، کارآمدی قضایی و اصل سرعت اجرا، سازگاری بیشتری دارد.

### ۶. نتیجه

اجرای گزارش اصلاحی تنظیمی نزد محاکم خارجی، به دلیل دخالت دو روش حل اختلاف میانجی‌گری و دادرسی، می‌تواند وفق مقررات کنوانسیون سنگاپور در مورد سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری و کنوانسیون‌های لاهه در خصوص اجرای آرای دادگاه‌های خارجی، بررسی شود.

کنوانسیون سنگاپور در بند ۱ ماده ۳، گزارش‌های اصلاحی را از محدوده اعمال خود خارج ساخته است. جدا از تعارض موضع‌گیری معاهده مذکور با قاعده حداکثر تأثیر در معاهدات بین‌المللی و ماده ۷ همان کنوانسیون، استتนา کردن گزارش‌های اصلاحی تأییدشده توسط دادگاه و مشخص نکردن مرجع تعیین لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی در کنوانسیون سنگاپور، سبب شده است که جز در موارد بسیار محدود نتوان از حمایت اجرایی این کنوانسیون به‌منظور اجرای گزارش‌های اصلاحی تنظیمی نزد محاکم خارجی استفاده کرد.

کنوانسیون‌های لاهه بر حمایت اجرایی از گزارش‌های اصلاحی نزد دادگاه‌های خارجی تصریح دارند، اما به دلیل عدم مقبولیت کنوانسیون‌های مذکور میان کشورهای دنیا و تعداد کم کشورهای عضو، طرفین دعوا نمی‌توانند چندان به استفاده از حمایت اجرایی معاهدات مذکور خوش‌بین باشند، زیرا در بیشتر موارد کشور محل درخواست اجرای گزارش‌های اصلاحی، عضو کنوانسیون‌های مذکور نیست.

در حقوق ایران نیز قیود مبهم و متعدد مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی، امکان اجرای گزارش‌های اصلاحی صادره توسط محاکم خارجی را با چنان دشواری روبه‌رو کرده است که بعید است طرفین دعوا تمایلی به طرح درخواست اجرای گزارش اصلاحی داشته باشند. در مجموع به نظر می‌رسد هم در مقررات بین‌المللی و هم در حقوق ایران، بیشتر بر جنبه قضایی گزارش‌های اصلاحی توجه شده است و به دلیل حساسیت کشورها به نقض



حاکمیت خود در صورت اجرای آرای دادگاه‌های خارجی، نمی‌توان احتمال اجرای گزارش‌های اصلاحی صادره توسط محاکم خارجی را در کشورهای دیگر بالا دانست. پیشنهاد کاربردی پژوهش حاضر برای فعالان تجارت بین‌الملل آن است که چنانچه با طرف‌های اختلافات بازرگانی خود به سازشی دست یافتند، سازش‌نامه موردنظر را نزد داور (و نه دادگاه خارجی) تنظیم کنند تا به‌جای مواجهه با مشقت‌های متعدد، از مزایای کنوانسیون موفق نیویورک در زمینه شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، در کشورهای متعدد عضو این کنوانسیون، بهره‌مند شوند.

## منابع

### الف) فارسی

۱. ابهری، حمید؛ حسین کاویار (۱۳۹۳). «اعتبار گزارش اصلاحی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۴، ش ۳، ص ۳۱۱-۳۲۶.
- DOI: 20.1001.1.25885618.1393.44.3.2.5
۲. جنیدی، لعیا (۱۳۹۵). «کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرایی آن»، *مجله حقوق تطبیقی*، دوره ۲، ش ۱، ص ۸۷-۵۲.
- DOI: 20.1001.1.1735496.1390.2.1.3.4
۳. ----- (۱۳۹۶). *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، تهران: شهر دانش.
۴. خدابخشی، عبدالله؛ اعظم انصاری؛ مجد کابری، محمد (۱۳۹۷). «شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۵، ش ۲، ص ۳۴۹-۳۷۲.
- DOI: 10.22059/JOLT.2019.258239.1006567
۵. شمس، عبدالله (۱۳۹۸). *اجرای احکام مدنی*، ج ۱، تهران: دراک.
۶. کاشی آرانی، رضا کریم (۱۳۹۰). «شرایط اجرای حکم خارجی بر مبنای اعتبار امر مختوم»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۸، ش ۱۸، ص ۱۵۸-۱۳۹.
- DOI: 10.22059/JOLT.2012.30134
۷. مردانی، محمدحسن (۱۳۹۰). «شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ایران»، *مجله کانون*، سال پنجاه و سوم، ش ۱۲۳، ص ۱۶۴-۱۳۳. در: <http://ensani.ir/fa/article/304990>. (۱۲ دی ۱۳۹۹).

### ب) خارجی

8. Alexander, Nadja; Shou, Chong (2019). "The New Un Convention On Mediation (Aka The 'Singapore Convention') – Why it's important for Hong Kong", *Hong Kong Lawyer, Research Collection School of Law*, pp. 1-8, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3749055>, (Accessed 22 December 2020).
9. Anderson, Dorcas (2015). "Litigating Over Mediation How Should The Courts Enforce Mediated Settlement Agreements", *Singapore Journal of Legal Studies*, No. 1, pp. 105-134, Available at: <https://ssrn.com/abstract=2843441>, (Accessed 18 December 2020).
10. Chua, Eunice (2015). "The Future of International Mediated Settlement Agreements: Of Conventions, Challenges and Choices", *Tan Pan Online: A Chinese-English Journal on Negotiation*, pp. 1-11, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3334750>, (Accessed 14 December 2020).
11. Chua, Eunice (2019). "Enforcement of International Mediated Settlements Without the Singapore Convention on Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, No. 31, pp. 572-597, Available at: <https://journalsonline.academypublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue>, (Accessed 12 December 2020).

12. McCormick, Khory; Sharon, Ong (2019). "Through the Looking Glass: An Insider's Perspective into The Making of The Singapore Convention on Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, No. 31, pp. 520-546, Available at: <https://journalsonline.academypublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue>, (Accessed 16 December 2020).
13. Morris-Sharma, Natalie (2019). "Constructing the Convention On Mediation The Chairperson's Perspective", *Singapore Academy of Law Journal*, No. 31, pp. 487-519, Available at: <https://journalsonline.academypublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue>, (Accessed 16 December 2020).
14. Nigmatullina, Dilyara (2019). *Combining Mediation and Arbitration in International Commercial Dispute Resolution*, New York: Routledge.
15. Rosner, Norel (2019). "The Singapore Convention: Reflections on Articles 1.3 on Scope, on Reservations, and 12 on Regional Economic Integration Organization", *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, No. 20, pp. 1259-1272, Available at: <https://unov.tind.io/record/69840?ln=en>, (Accessed 16 December 2020).
16. Schnabel, Timothy (2019[A]). "The Singapore Convention On Mediation: Framework For The Cross-Border Recognition And Enforcement Of Mediated Settlements", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, No. 19, pp. 1-60, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3239527>, (Accessed 20 December 2020).
17. Schnabel, Timothy (2019[B]). "Implementation Of The Singapore Convention: Federalism, Self-Execution, And Private Law Treaties", *American Review of International Arbitration*, No. 30, pp. 265-290, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3320823>, (Accessed 20 December 2020).
18. Sussman, Edna (2008). *The Final Step: Issues in Enforcing the Mediation Settlement Agreement in Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation*, London: The Fordham Papers Martinus Nijhoff Publishers.
19. Sussman, Edna (2011). "Combinations and Permutations of Arbitration and Mediation: Issues and Solutions", in *ADR in Business: Practice and Issues across Countries and Cultures*, Vol. 2, London: Kluwer Law International.
20. Sussman, Edna (2018). "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Icc Dispute Resolution Bulletin*, No. 3, pp. 42-54, Available at: <https://sussmanadr.com/wp-content/uploads/2018/12>, (Accessed 20 December 2020).
21. Treichl, Clemens (2020). "The Singapore Convention: Towards a Universal Standard for the Recognition and Enforcement of International Settlement Agreements?", *Journal of International Dispute Settlement*, Vol. 11, No. 3, pp. 409-429, DOI: 10.1093/jnlids/idaa013.
22. UNCITRAL, (2016[A]). *Working Group HI (Dispute Settlement), 65<sup>th</sup> Session*, Available at: [https://uncitral.un.org/en/working\\_groups/2/arbitration](https://uncitral.un.org/en/working_groups/2/arbitration), (Accessed 08 December 2020).
23. UNCITRAL (2016[B]). *Working Group HI (Dispute Settlement), 64<sup>th</sup> Session*, Available at: [https://uncitral.un.org/en/working\\_groups/2/arbitration](https://uncitral.un.org/en/working_groups/2/arbitration), (Accessed 08 December 2020).
24. UNCITRAL (2017). *Working Group HI (Dispute Settlement), 67<sup>th</sup> Session*, Available at: [https://uncitral.un.org/en/working\\_groups/2/arbitration](https://uncitral.un.org/en/working_groups/2/arbitration), (Accessed 08 December 2020).
25. Wilking, Felix (2015). "The Enforcement And Setting Aside Of Mediation Settlement Agreements : A Comparison Between German And International Commercial Mediation", *Master of Dispute Resolution of University of Cape Town*, Available at: <https://open.uct.ac.za/handle/11427/16938>, (Accessed 20 December 2020).
26. Wolski, Bobette (2013). "Arb-Med-Arb (and MSAs): A Whole Which is Less than, Not Greater than, the Sum of its Parts?", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 6, No. 2, pp. 249-274, Available at: <https://ssrn.com/abstract=2397649>, (Accessed 19 December 2020).
27. Wolski, Bobette (2014). "Enforcing Mediated Settlement Agreements (MSAs): Critical Questions and Directions for Future Research", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 87-118, Available at: <https://ssrn.com/abstract=2443375>, (Accessed 19 December 2020).
28. Žukauskaitė, Miglė, (2019). "Enforcement of Mediated Settlement Agreements", *Vilnius University Press*, No. 111, pp. 205-217, DOI: 10.15388/Teise.2019.111.12.



Research Paper

## **Cross-Border Executive Support of Judicial Settlements**

### **A Comparative Study of the Singapore Convention 2019, the Hague Conventions 2005, 2019 and Iranian Law**

**Reza Maboudi Neishabouri\***

*Assistant Professor of Private Law Department, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.*

**Seyed Alireza Rezaee**

*PhD Student of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.*

#### **Abstract**

**Problem Statement:** Conciliation as one of the most well-known dispute resolution methods has gained special credibility due to ratification of Singapore Convention on International Commercial Settlement Agreements 2019 by the United Nations and the granting of executive support to settlement agreements resulting from mediation. One of the types of settlement agreements is judicial settlements recorded by court, which are considered as a kind of settlement agreements due to the main role of the will of the parties (rather than the judge) in drafting them. Also, it is always possible for the parties to reach a settlement after a dispute has been filed in court, and in some cases, the parties to the dispute may even reach an out-of-court settlement agreement and submit the settlement to the court for approval in order to benefit from enforcement support. In both cases, the judge reflects the settlement agreement of the parties in the form of a judicial settlement. An important issue regarding judicial settlements recorded by courts is the possibility of their enforcement in other countries, which is questionable due to the involvement of two dispute resolution methods: litigation and conciliation. This is because the judicial settlement has a dual nature, because on the one hand, it is a kind of settlements due to the

\*Corresponding Author  
Received: 1 March 2021, Accepted: 23 August 2021

Email: maboudi@um.ac.ir  
© University of Tehran

exclusive intervention of the will of the litigants in its conclusion, and on the other hand, it has a judicial nature due to its reflection in the court judgement. Therefore, in order to examine the possibility of enforcing foreign judicial settlements, the provisions related to the enforcement of the settlement agreements and court judgements can be applied. As a result, there are serious doubts about the international treaty applicable to the enforcement of judicial settlements in foreign courts. The position of Iranian law in this regard should also be examined.

Research Method: The purpose of the present study is fundamental because it contributes to the development of law and in essence, the method of the present study is analytical/descriptive. There is also a comparative approach in this study due to the review of the 2019 Singapore Convention, the 2005 Hague Convention and the 2019 Hague Convention.

Theoretical and Conceptual Framework: To examine the subject of the present study, judicial settlements should be examined from the following perspectives: cross-border enforcement of judicial settlements of courts in accordance with the Singapore Convention, cross-border enforcement of judicial settlements of courts in accordance with The Hague Conventions, and cross-border enforcement of judicial settlements of foreign courts in accordance with the Iranian law".

Research Questions and Hypothesis: The main questions of the present article are: Is it possible to enforce cross-border judicial settlements in accordance with the Singapore Convention? Is it possible to enforce cross-border judicial settlements in accordance with the Hague Conventions? Is it possible to enforce cross-border judicial settlements in accordance with the Iranian law? The hypothesis of the present study is that due to the approach of conventions applicable to cross-border judicial settlements and the narrow approach of the Iranian Civil Judgment Enforcement Law, in none of the above three hypotheses can the possibility of cross-border enforcement of the judicial settlements be considered high.

Research achievements: Overall, the article concludes that 1- the enforcement of judicial settlements by foreign courts is fraught with difficulties because the Singapore Convention generally excludes such settlement agreements from its scope of executive support in Article 1.3.2- the explicit support of the Hague Conventions for judicial settlements, due to the unacceptability and small number of member states of these treaties, cannot have a positive impact on the enforcement of judicial settlements by foreign courts, 3- the vague and numerous restrictions mentioned in Articles 177 and 169 of the Iranian Civil Judgment Enforcement Law also greatly reduce the possibility of the enforcement of foreign court judicial settlements in Iran. Overall, based on both international law and Iranian law, the possibility of enforcement of cross-border judicial settlements in other countries do not consider high, and individuals and businesses are advised to submit the settlement to an arbitrator (rather than a foreign court) to benefit from the successful New York Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards in the various States party to the said Convention.

**Key Words:** "Settlement Agreements", "Conciliation", "Enforceability of judicial settlement", "Approval of judicial settlement by court", "Contrary judgments to judicial settlement".

**Declaration of conflicting interests**

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

**Funding**

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

**ORCID iDs:** 0000-0001-6799-6963



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.